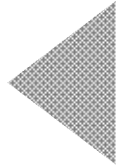


بررسی نقش فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی در توانمندسازی اقتصاد خانوار (مطالعه موردی: بخش بزرگ شهرستان کاشان)



یوسف قنبری^۱

حمید برقی^۲

نفسه قطبی نژاد^۳

(تاریخ دریافت ۹۴/۵/۷ - تاریخ تصویب ۹۴/۹/۱۶)

چکیده

ارتقای حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان بویژه در زمینه‌های اقتصادی، شرطی لازم برای توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیر باز و بطور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند، از ضرورت بیشتری برخوردار است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی در توانمندسازی اقتصاد خانوار می‌باشد. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و مطالعه‌ای پیمایشی است که داده‌های آنان از طریق پرسشگری از زنان روستایی منطقه مورد مطالعه تهیه گردیده است. جامعه آماری مورد نظر شامل ۶۳۰۰ نفر زنان روستایی و تعداد ۳۲۰ زن روستایی بعنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران مشخص شده‌اند که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. از ضریب آلفای کرونباخ جهت تعیین

۱- استادیار دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، y.ghanbari@gho.ui.ac

۲- استادیار دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، barghi@ltr.ui.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، naf_ghotbi90@yahoo.com

پایایی پرسشنامه استفاده شد. توصیف و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS انجام گردید. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون t تک متغیره و ضریب همبستگی اسپیرمن و روش دو جمله‌ای استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سن، بعد خانوار و میزان تحصیلات زنان روستایی با بهبود وضعیت اقتصاد خانواده رابطه معنی‌داری برقرار است. همچنین فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در توسعه پایدار منطقه مؤثر است. این رابطه از نظر مسئولین منطقه با در نظر گرفتن سه بخش آموزش زنان روستایی، حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آنها و تشکیل تعاونی‌های زنان روستایی مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: زنان کشاورز، مشارکت زنان، بخش کشاورزی، اقتصاد خانواده، اقتصاد روستایی، بخش برزک.

مقدمه

زنان روستایی بعنوان نیمی از جمعیت روستایی، نقش بارزی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند و رسیدن به توسعه پایدار روستایی توجه بیشتر به زنان را که دوشادوش و همپای مردان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت دارند، می‌طلبد (میرک‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۸). مطالعات و مشاهدات انجام شده در زمینه زنان روستایی حاکی از آن است که زنان کشاورز با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی بعهدہ دارند، به گونه‌ای که اکثریت کشاورزان معیشتی جهان را زنان تشکیل می‌دهند که تولید ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای جهان را به عهده دارند (شاهرودی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۴). یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است. استراتژی‌های یک جامعه توسعه‌یافته بایستی حتماً بر مبنای مشارکت هر چه فعال‌تر بانوان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طراحی گردد. با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند، از تولیدکنندگان عمده غذا و درآمد برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شوند که تولید بخش مهمی از محصولات کشاورزی را در جهان به عهده دارند.

از دستاوردهای کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد برای "دهه زن" که تحت عنوان "تساوی، توسعه و صلح" در سال ۱۹۸۰ در نیویورک برگزار شد، این بود که دو سوم از کل کار انجام شده در جهان توسط زنان انجام می‌شود که بیشتر این کار را زنان روستایی انجام می‌دهند که این نشان‌دهنده اهمیت نقش زنان روستایی در تولید و اقتصاد می‌باشد (خاتمی، ۱۳۸۲: ۴). بر اساس گزارش سازمان ملل هرچند در روستا زنان ۴۹ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند اما ۶۵ درصد فعالیت‌های بخش کشاورزی روستا توسط آنان انجام می‌شود (الوی، ۱۹۸۵: ۳۵). طبق آمار سرشماری سال ۸۵ سهم زنان روستایی کشور ما در اشتغال حدود ۱۳ درصد اعلام شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: ۱۳۱). این در حالی است که نیروی کار زنان در بخش کشاورزی تا ۴۰ درصد برآورد شده است که تنها ۵ درصد کلیه خدمات ترویجی کشاورزی سراسر جهان در اختیار زنان است. در ایران بیش از ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی و نزدیک به ۶۳ درصد فعالیت‌های دامداری و عمده فعالیت‌های باغداری بعهده زنان است (چهارسوقی و میردامادی، ۱۳۸۷: ۶۳). نادیده گرفتن سهم زنان در فعالیت‌های اقتصادی بخصوص کشاورزی سبب گردیده تا تأثیر ارزش کار آنها در محاسبات ملی در نظر گرفته نشود. رویکردهای مشارکتی به توسعه از اوایل دهه ۹۰ مورد توجه فزاینده قرار گرفته و اهمیت مشارکت بعنوان وسیله و یکی از اهداف توسعه تأکید شده است. در چنین توسعه‌ای زنان بعنوان نیمی از افراد به مشارکت فراخوانده می‌شوند. زیرا دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره امکان‌پذیر نیست (بوذرجمهری و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۰). در ایران نیز نقش زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی نادیده گرفته شده است چرا که در اقتصاد روستاهای کشور زنان روستایی علاوه بر نقش‌های محول کلیدی که برعهده دارند و در چارچوب اقتصاد خانه مطرح می‌شود آنها بعنوان عناصری نامرئی و نامشخص، بخش عظیمی از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را تشکیل می‌دهند. با وجود ارزش و اعتبار کار و فعالیت آنها برای خانوار و اقتصاد جامعه از نظر اجتماعی یا اصولاً در مقاطع تصمیم‌گیری به هیچ وجه نقش متناسب و هم‌سنگ با این فعالیت‌ها نداشته‌اند و بدون هیچ شبهه‌ای باید آنها را در زمره محروم‌ترین اقشار جامعه به شمار آورد (امینی و احمدی، ۱۳۸۸: ۸).

با توجه به حضور نیمی از جمعیت زنان کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته جهان در روستاها و اشتغال آنها به امور کشاورزی و دامپروری، طراحی و اجرای مناسب برنامه‌های آموزشی-

ترویجی برای این قشر حائز اهمیت است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی بویژه باغداری در توانمندسازی اقتصاد خانوار می‌باشد. برای دستیابی به هدف فوق فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت: (۱) مشارکت زنان در بخش کشاورزی در بهبود اقتصاد خانواده مؤثر است. (۲) بین سن و بعد خانوار و سطح تحصیلات زنان با بهبود وضعیت اقتصاد خانواده رابطه وجود دارد. (۳) افزایش کارایی و ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در توسعه پایدار منطقه مؤثر است.

پیشینه نظری

از اوایل دهه ۱۹۷۰ به بعد نقش زنان در توسعه کشاورزی و روستایی مورد توجه قرار گرفته است. به نقش زنان روستایی کشور در بخش کشاورزی از اوایل دهه ۱۳۷۰ توجه شده و فعالیت‌ها و پژوهش‌هایی نیز در این راستا انجام گرفته است. از جمله دفتر زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی، طرح توانمندسازی زنان روستایی را برای حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف بخش کشاورزی سرلوحه کار خود قرار داده تا امکان حضور بیشتر زنان روستایی در توسعه بخش کشاورزی فراهم آید. در اینجا به برخی از تحقیقاتی که اخیراً در زمینه مشارکت زنان و عوامل مؤثر بر آنها انجام گرفته اشاره می‌شود.

بوذرجمهری و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب - آذربایجان شرقی) به این نتیجه رسیده که زنان در امور زراعی و در مرحله برداشت مشارکت بیشتری دارند و برخی از عوامل چون (فردی، خانوادگی، سازمانی) مانع از مشارکت زنان روستایی در امور کشاورزی شده است.

نوری و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیق خود تحت عنوان تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی به این نتیجه رسیده که انگیزه‌های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال در کنار فعالیت‌های موجود مهمترین شاخص‌های مؤثر بر فعالیت اقتصادی و چگونگی آن برای زنان مناطق روستایی است.

تئودوسیا (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان زنان روستایی در تولید مواد غذایی محلی: بین طرح‌های کارآفرینی و استراتژی خانواده مورد مطالعه یونان، به این نتیجه رسیده است که یک شکوفایی

نسبی در کسب و کار زنان حومه شهرهای یونان بدلیل تقاضای مصرف‌کنندگان برای محصولات غذایی سنتی و محلی با کیفیت خاص بوجود آمده است.

مبانی نظری

در مباحثی که امروزه در مورد توسعه مطرح می‌شود، نیروی انسانی و به خصوص اهمیت نقش زنان در برنامه‌های رشد و توسعه مورد توجه می‌باشد. این دو مورد از جمله موضوعاتی است که توجه صاحب‌نظران کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است و با آنکه زنان جامعه بشری ۵۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و ۶۶ درصد ساعات کار (با دستمزد و بدون دستمزد) و ۹۰ درصد امور تولیدی در مزارع متوسط به عهده آنها است، سهم درصد ناچیزی در تصمیم‌گیری‌ها دارند و فقط یک دهم درآمدهای جهانی و کمتر از یک درصد زمین‌های جهان به آنان اختصاص یافته است. افزون بر این عوامل فرهنگی - اجتماعی نیز موانع بیشتری را برای زنان نسبت به مردان ایجاد می‌کند که بازتاب آن در جوامع روستایی و کشورهای در حال توسعه نمود افزون‌تری دارد. نبود منابع آماری دقیق در زمینه شناخت نوع و میزان مشارکت زنان در روستاها، بی‌اهمیت دانستن نقش آنان از سوی برنامه‌ریزان توسعه و نبود مهارت علمی در مطالعه وضعیت این زنان سبب شده تا آنان وابسته مردان به شمار آیند و هرگز از استقلال اجتماعی و اقتصادی برخوردار نباشند. کار زنان روستایی به علت دریافت نکردن مزد، حقیر، پست و نامنظم انگاشته می‌شود و از مسیر طبیعی جریان توسعه باز می‌ماند که این امر می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی نشده بسیار مخرب و منفی را برای کل ساختار جامعه داشته باشد (امینی و احمدی، ۱۳۸۶: ۶۶). طبق گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۸ سهم زنان از تحصیل درآمد در کشورهای صنعتی ۳۸/۰۲ درصد، در کشورهای کمتر توسعه یافته ۳۴/۲۹ درصد، در کشورهای در حال توسعه اعم از شهری و روستایی ۳۴/۴۲ درصد و برای کل جهان ۳۳/۷۱ درصد است (بانک جهانی، ۱۹۹۸).

از اوایل دهه ۱۹۷۰ به بعد با تأکید کارشناسان بر توسعه یکپارچه روستایی و به دنبال آن نقش مشارکت روستائیان و بویژه زنان روستایی در روند توسعه، نحوه و دامنه فعالیت زنان در امور روستایی به شکل عام و در فعالیت‌های کشاورزی بطور اخص به گونه‌ای مشهود مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر نیز این برای سازمان‌ها و برنامه‌ریزان امور توسعه از اولویت خاصی برخوردار است چرا که زنان روستایی علاوه بر اینکه نیمی از جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند

بعنوان نیروی انسانی قابل توجه نقش اساسی در تولید محصولات کشاورزی و غذایی و بطور کلی در فعالیت‌های مختلف رایج در روستاها دارند(روستا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۲).

در برابر مشارکت زنان روستایی در امور مختلف تولیدی موانع و مشکلات فراوانی نیز وجود دارد که مهمترین آنها عوامل فرهنگی - اجتماعی (هویت اجتماعی، آموزش و ترویج و ...)، عوامل فردی (سطح سواد پائین، کمی اطلاعات و آگاهی‌های علمی و ترویجی، سطح درآمد پائین و ...)، عوامل خانوادگی (جایگاه پائین زنان روستایی در خانواده، در تصمیم‌گیری‌ها، بعد خانوار و ...) و عوامل اقتصادی می‌باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده تنها ۵ درصد کلیه خدمات ترویجی کشاورزی سراسر جهان در اختیار زنان قرار می‌گیرد و اغلب مردان هستند که از برنامه‌های ترویجی برخوردار می‌شوند و با فناوری و ابزارهای جدید آشنا و به آنها مسلط می‌گردند. این در حالی است که زنان نقش‌های سنتی و فرصت‌های کسب درآمد را از دست می‌دهند(مدلی، ۲۰۰۲). برای بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی نظریه‌های متعددی از جمله فقرزدایی، برابری(عدالت)، رفاه و توانمندسازی مطرح شده است. در سال‌های اخیر نظریاتی که درباره مشارکت زنان مطرح شد می‌توان به جنبش سبز، مسائل تبعیض جنسی، دموکراسی و غیره اشاره کرد. رویکردهای اخیر به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم نشأت گرفته از حرکت‌های اجتماعی - سیاسی زنان حاصل جنبش جهانی زنان است. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در کشور ایران نشان داده است که زنان در جوامع روستایی و عشایری در تولید به ویژه در تولید اقتصادی و اجتماعی نقش کلیدی دارند، از این رو سهم انکارناپذیری را نیز در اقتصاد کشاورزی و توسعه پایدار آن ایفا می‌کنند(علیمحمدی، ۱۳۸۶: ۳۰).

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از جنبه‌های مختلف قابل طرح است. از جنبه هدف، تحقیق حاضر کاربردی و از نظر نوع تحقیق، توصیفی - همبستگی است. زیرا علاوه بر شناخت و توصیف تأثیر فعالیت اقتصادی زنان روستایی در توسعه پایدار منطقه مورد مطالعه و عوامل مؤثر بر آن، به تحلیل همبستگی روابط بین متغیرهای مؤثر بر میزان مشارکت آنان نیز پرداخته شده است. با استفاده از مقابله داده‌ها، سؤالات تحقیق ارزیابی شده است. گردآوری داده‌ها و اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته که در روش میدانی از تکنیک

پرسشنامه با طرح سؤالات باز و بسته (دو گزینه و چند گزینه) و طیف لیکریت انجام شده است. جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش ۶۳۰۰ نفر از زنان روستایی فعال در بخش کشاورزی، بخش برزک می‌باشد. در این پژوهش از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده و با فرمول کوکران حجم نمونه تعیین گردیده است با فرض حدود اطمینان $t=1/96$ ، ضریب دقت $d=0/05$ ، نسبت وجود صفت $p=0/7$ ، جامعه آماری $N=6300$ ، حجم نمونه $n=320$. به منظور ارائه تفسیر مناسبی از داده‌ها ابتدا با استفاده از تحلیل‌های توصیفی به بررسی جامعه آماری مورد مطالعه پرداخته شده است. پس از بررسی توصیفی با استفاده از روش استنباطی به تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات بدست آمده برای آزمون فرضیه‌ها مبادرت گردید. برای آزمون فرضیه‌ها از روش t تک متغیره، ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. متغیرهای تحقیق به دو دسته متغیر مستقل و وابسته تقسیم می‌شوند که در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۱) - متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل
عوامل فردی (سواد، سن)
عوامل خانوادگی (بعد خانوار)
عوامل سازمانی (شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی جهاد کشاورزی)
متغیر وابسته

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های توصیفی و فردی جامعه تحقیق

تحلیل و شناسایی ویژگی‌های توصیفی جامعه تحقیق نشان داد که، از مجموع ۳۲۰ زن روستایی حجم نمونه ۸۷/۸ درصد متأهل و ۱۲/۲ درصد مجردند. میانگین سنی آنها ۴۰/۵۰ می‌باشد که اکثریت در گروه سنی ۴۰-۳۰ قرار دارند. در بین زنان روستایی ۸۱/۹ درصد باسوادند که از بین باسوادان، ۴۱/۴ درصد ابتدایی، ۲۲/۴ درصد سیکل، ۱۸/۱ درصد دیپلم را در بر می‌گیرند و در مجموع ۱۸/۱ درصد زنان بی‌سوادند. بیشترین درصد باسوادان در سطح ابتدایی با ۴۱/۴ درصد و کمترین درصد آن مربوط به دیپلم و بی‌سواد ۱۸/۱ درصد می‌باشد. با توجه به آمار سواد زنان منطقه می‌توان گفت که بیشتر آنها باسوادند ولی کیفیت سطح سواد در بین آنان پائین می‌باشد.

ویژگی‌های خانوادگی جامعه تحقیق

نتایج تحقیق نشان داد که دامنه بعد خانوار بین ۲ تا ۱۱ در نوسان است و میانگین بعد خانوار ۵/۰۶ بوده است، پس می‌توان گفت که خانوار روستایی تقریباً پرجمعیت هستند. یعنی با بالا رفتن سن زنان روستایی و تعداد خانوار آنها فعالیت کشاورزی آنها هم افزایش می‌یابد، در جوامع روستایی فرزندان خانواده‌ها بعنوان نیروی کار رایگان در اقتصاد خانواده مشارکت دارند.

ویژگی‌های سازمانی جامعه تحقیق

از کل زنان نمونه مورد بررسی ۱۶/۹ درصد زنان در کلاس‌های آموزش و ترویج کشاورزی شرکت کرده و ۸۳/۱ درصد شرکت نکرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که با توجه به فعالیت زیاد زنان در بخش کشاورزی مهارت‌ها و دانش آنها در زمینه هر چه بهتر شدن کیفیت کار و مسائل مربوطه بسیار پایین است و نیاز به برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی از سوی سازمان‌های مربوط به بخش کشاورزی می‌باشد تا بتوان با آموزش زنان گامی موثر در بهتر شدن فعالیت کشاورزی آنها برداشت.

نقش زنان روستایی بخش بزرگ در فعالیت‌های مختلف

طبق بررسی‌های میدانی زنان این بخش در زمینه‌های مختلف فعالیت دارند که اکثراً چند فعالیت مانند خانه‌داری و صنایع دستی و باغداری و ... را با هم انجام می‌دهند. به خصوص در فصل بهار و تابستان که پا به پای مردان در امور زراعی و باغی فعالیت چشمگیری دارند. در این منطقه فعالیت باغداری بیشتر از مزرعه‌داری و صنایع دستی می‌باشد. بیشترین فعالیت زنان در بیش از یک مورد با ۵۸/۹ درصد و کمترین درصد، مزرعه‌داری با ۰/۳ درصد بوده است.

جدول (۲) - توزیع زنان کشاورز بر حسب فعالیت‌های مختلف

درصد	فراوانی	انواع فعالیت‌های زنان
۰/۳	۱	مزرعه‌داری
۱۵/۶	۵۰	خانه‌داری
۲۱/۲	۶۸	باغداری
۱/۹	۹	صنایع دستی
۲/۲	۷	سایر
۵۸/۹	۱۸۹	بیش از یک مورد
۱۰۰	۳۲۱	جمع

فعالیت باغداری زنان

سرزمین ایران با برخورداری از اقالیم مختلف از هفت هزار سال پیش تا کنون بستر کاشت انواع محصولات زراعی و باغی بوده است. باغداری در زمره فعالیت‌های کشاورزی محسوب می‌شود که نقش مؤثری در ایجاد درآمد، اشتغالزایی همچنین تولید مواد غذایی، ارزآوری دارد. همچنین در سایه درختان می‌توان بسیاری از محصولات را پرورش داد و وجود درختان باعث تصفیه هوا می‌شود. با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه و وجود خاک مناسب و آب کافی زمینه برای پرورش درختان میوه بسیار مناسب می‌باشد، در نتیجه تعداد باغ‌های میوه بیشتر از کشت زراعی است. زنان روستایی این بخش نیز در زمینه فعالیت باغداری مشارکت زیادی دارند زیرا که کشاورزی یکی از منابع مهم درآمد اقتصاد خانواده در این منطقه می‌باشد. در فعالیت‌های باغداری بیشترین درصد مشارکت آنها در زمینه برداشت محصولات کشاورزی با ۵۷ درصد و کمترین آن در زمینه کاشت، داشت، بازاریابی و فروش محصولات با ۰/۳ درصد می‌باشد.

جدول (۳) - توزیع زنان کشاورز بر حسب فعالیت‌های باغداری

فعالیت باغداری	فراوانی	درصد
کاشت	۱	۰/۳
داشت	۱	۰/۳
برداشت	۱۸۳	۵۷/۰
نگهداری و تبدیل محصول	۸	۲/۵
بازاریابی و فروش محصولات	۱	۰/۳
سایر	۶	۱/۹
بیش از یک مورد	۱۲۱	۳۷/۷
جمع	۳۲۱	۱۰۰

جایگاه و نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی

با توجه به سطح توسعه اقتصادی کشور، زنان نقش مهمی در توسعه کشاورزی و روستایی در بیشتر کشورهای در حال توسعه ایفای می‌کنند. براساس گزارش F.A.O به کنگره امنیت غذایی، زنان در دهه اخیر بطور متوسط ۵۰ درصد از تولیدات بخش کشاورزی را برعهده داشتند. با وجودی که بنیان‌های اقتصادی روستاهای کشورهای در حال توسعه، کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن است، سهم زنان روستایی در کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی پنهان مانده است و به همین دلیل ارزش واقعی مشارکت زنان در تولید اقتصادی نادیده انگاشته شده و در اندازه‌گیری عملکرد اقتصادی به حساب نمی‌آیند. فعالیت زیاد زنان در بخش کشاورزی ۶۳ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد جایگاه و نقش زنان روستایی در فعالیت کشاورزی بیش از حد متوسط و مشارکت آنها در این بخش زیاد می‌باشد.

جدول (۴) - نتایج آزمون دوجمله‌ای بر حسب میزان فعالیت کشاورزی زنان

فعالیت کشاورزی زنان	تعداد	نسبت	P
فعالیت کم	۱۱۹	۰/۳۷	۰/۰۰۱
فعالیت زیاد	۲۰۲	۰/۶۳	

تحلیل ویژگی‌های فردی زنان کشاورز با فعالیت کشاورزی

خانواده بعنوان یکی از نهادهای اصلی اجتماعی وظایف متعددی در جامعه روستایی دارد. در خانواده روستایی نوعی ادغام یا پیوستگی کامل بین گروه خانواده و سازمان کار و حرفه وجود دارد که باعث نوعی استقلال داخلی در زمینه اقتصادی و خانوادگی می‌باشد. در خانواده کشاورز تمام اعضاء خانوار حتی بچه‌ها مشغول به کارند و نیروی انسانی فعالیت مورد نظر را تأمین می‌کنند. بر اساس نتایج جداول زیر ضریب همبستگی بین فعالیت کشاورزی زنان با سن، درآمد باغداری و بعد خانوار آنان در سطح $p \leq 0/05$ معنی‌دار بوده، بنابراین بین سن، درآمد باغداری و بعد خانوار زنان با فعالیت کشاورزی رابطه مستقیم وجود دارد. در این بخش زنان در سنین بالاتر و خانواده‌های پرجمعیت نسبت به افراد جوان با خانواده‌های کم جمعیت بیشتر در بخش کشاورزی فعالیت دارند. فعالیت کشاورزی بیشتر بخصوص در بخش باغداری باعث بالارفتن درآمد باغداری می‌شود.

جدول (۵) - ضریب همبستگی بین میزان فعالیت کشاورزی با سن، بعد خانوار و درآمد باغداری

بهبود فعالیت اقتصادی خانواده			ویژگیهای فردی زنان
n	p	r	
۲۹۸	۰/۰۰۱	۰/۴۱۳	سن
۲۹۸	۰/۰۰۲	۰/۲۰۹	بعد خانوار
۲۹۸	۰/۰۰۱	۰/۲۸۹	درآمد باغداری

رابطه بین میزان فعالیت کشاورزی زنان با بهبود اقتصاد خانواده

بخش کشاورزی یکی از بخش‌های مهم اقتصادی کشور است که تأکید بر زراعت، باغداری، دامداری و... دارد. زنان به ویژه در مناطق روستایی نقش عمده‌ای در تولید محصولات گوناگون زراعی و دامی بر عهده دارند به گونه‌ای که بدون مشارکت آنها نیل به توسعه کشاورزی امری غیرممکن است (امیری، ۱۳۸۴: ۳). آمار نشان می‌دهد که ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای جهان توسط زنان تولید می‌شود در حالی که فقط ۰/۱ درآمد جهانی را دریافت می‌کنند و کمتر از ۱ درصد از زمین‌های جهان به زنان تعلق دارد (حجازی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۷). کشاورزی از دیرباز در روستاهای بخش بزرگ نقش مهمی در اقتصاد روستا داشته است و امرار و معاش بسیاری از

روستائیان به آن وابسته می‌باشد. تلاش زنان منطقه را در عرصه فعالیت‌های کشاورزی نباید نادیده گرفت. چه بسا آنها پایه پای مردان در مزرعه و باغ‌ها فعالیت می‌کنند و همین مشارکت آنها عامل اساسی در بهبود وضعیت اقتصاد خانواده می‌باشد. ضریب همبستگی بین فعالیت کشاورزی زنان با بهبود اقتصادی خانواده در سطح $p \leq 0/05$ معنی‌دار بوده، بنابراین بین فعالیت کشاورزی با بهبود اقتصاد خانواده رابطه وجود دارد و فعالیت کشاورزی زنان روستایی در بهبود وضعیت اقتصاد خانواده مؤثر است. در واقع زنان روستایی بخش بزرگ سهم زیادی در اقتصاد روستا و بخصوص اقتصاد خانواده دارند و نقش مهمی در بهبود آن ایفا می‌کنند.

رابطه بین سن، بعد خانوار و میزان تحصیلات با بهبود وضعیت اقتصاد خانواده

خانواده بعنوان یکی از نهادهای اصلی اجتماعی وظایف متعددی در جامعه روستایی دارد. در خانواده روستایی نوعی ادغام یا پیوستگی کامل بین گروه خانواده و سازمان کار و حرفه وجود دارد که باعث نوعی استقلال داخلی در زمینه اقتصادی و خانوادگی می‌باشد. در خانواده کشاورز تمام اعضاء خانوار حتی بچه‌ها مشغول بکارند و نیروی انسانی فعالیت مورد نظر را تأمین می‌کنند. بر اساس نتایج بدست آمده در پژوهش ضریب همبستگی بین سن، بعد خانوار و سطح تحصیلات زنان با نقش فعالیت‌های کشاورزی در بهبود اقتصاد خانواده در سطح $p \leq 0/05$ معنی‌دار بوده، بنابراین بین ویژگی‌های فردی زنان با بهبود اقتصاد خانواده رابطه وجود دارد یعنی با افزایش این ویژگی‌ها وضعیت اقتصاد خانواده نیز بهتر می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

زنان نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و از تولیدکنندگان عمده غذا و درآمد برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شوند، که تولید بخش مهمی از محصولات کشاورزی را در جهان بعهدہ دارند. زنان روستایی تولید ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای جهان را بعهدہ دارند و میانگین مشارکت زنان روستایی ایران در این بخش حدود ۴۰ درصد برآورد شده است. طبق یافته‌های این پژوهش مشخص گردید که جایگاه و نقش زنان روستایی منطقه مورد مطالعه بیش از حد متوسط می‌باشد و آنها نقش مؤثری در فعالیت‌های کشاورزی بویژه باغداری دارند. بنابراین می‌توان گفت که فعالیت‌های آنها در بخش کشاورزی می‌تواند در اقتصاد روستا مؤثر باشد.

در زمینه باغداری زنان بیشتر در برداشت محصول (۵۷ درصد) شرکت دارند ولی تعداد کمی از زنان هستند که دستمزد دریافت می‌کنند و بیشتر آنها بدون دستمزد کار می‌کنند. عواملی که در میزان مشارکت زنان در فعالیت کشاورزی است شامل ویژگی‌های فردی (سن، تحصیلات)، ویژگی‌های خانوادگی (بعد خانواده، درآمد)، ویژگی سازمانی (شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی) می‌شود. می‌توان گفت بین ضریب همبستگی سن، درآمد، باغداری و بعد خانوار رابطه معنی‌داری با میزان فعالیت کشاورزی دارد. چون زنان نیمی از جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهند و حضور فعالی در زمینه‌های مختلف دارند؛ بخصوص بخش کشاورزی و توسعه یکپارچه منطقه بستگی به در نظر گرفتن تمامی عوامل و نیروهای انسانی دارد، لذا نمی‌توان نقش فعال زنان را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی نادیده گرفت. همچنین از دیگر عوامل در زمینه افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی زنان حمایت سازمان‌های دولتی از فعالیت‌های آنان می‌باشد که منجر به تأثیر فعالیت زنان در توسعه می‌باشد. بطور کلی می‌توان گفت بین افزایش کارایی و ساماندهی فعالیت اقتصادی زنان روستایی و تأثیر آن در توسعه پایدار منطقه رابطه مستقیم وجود دارد و باعث ایجاد توسعه می‌شود.

پیشنهاداتی که می‌توان برای هرچه بهتر شدن وضع اقتصاد منطقه مورد مطالعه، بهبود وضعیت کشاورزی منطقه و همچنین شناخت نقش زنان که سهم قابل توجهی در نیروی کار کشاورزی دارند، ارائه داد عبارتند از: بالا بردن سطح مهارت‌های تولیدی زنان، چگونگی استفاده بهینه از منابع، آموزش‌های تخصصی به منظور بهبود بهره‌وری، روش مبارزه با آفات که نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های زنان روستایی خواهد داشت. افزایش دسترسی زنان روستایی به اعتبارات، که با ارائه اعتبارات و وام‌ها به زنان روستایی بخصوص زنان سرپرست خانوار وضعیت مناسبی برای دستیابی آنان به اعتبارات بوجود می‌آید و باعث ایجاد اشتغال در منطقه و بطور محسوسی وضعیت معیشت خانواده را بهبود می‌بخشد و در توسعه کشاورزی مؤثر می‌شوند. ایجاد پوشش تأمین اجتماعی و حمایت‌های قانونی از نیروی کار زنان روستایی خصوصاً زنان سرپرست خانوار، با توجه به اینکه زنان منطقه مذکور مشارکت زیادی در فعالیت کشاورزی دارند و زمان زیادی را صرف این کار می‌کنند ولی هیچ‌گونه حمایتی از طرف سازمان‌های دولتی نمی‌شوند. اندیشیدن راهی برای ارائه خدمات درمانی و سایر خدمات اجتماعی باعث بهبود وضعیت زنان منطقه و افزایش ایمنی آنان در برابر آسیب‌های ناشی از کار

می‌شود. آموزش زنان روستایی و بالا بردن سطح سواد آنها مهم است که در این زمینه دولت یا سازمان‌های مربوطه باید محتوای کتب درسی را متناسب با نیاز زنان روستایی تهیه کنند و در اختیار آنها قرار بدهند. امید است که در آینده نزدیک با حمایت‌های هر چه بیشتر دولت وضع زندگی کشاورزان و خصوصاً زنان کشاورز به بهبودی کامل برسد.

منابع

- امینی، مظفر و محمدعلی احمدی شاپور آبادی (۱۳۸۸)، خوداتکایی اقتصاد زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در دو منطقه جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان)، **فصلنامه پژوهش زنان**، شماره ۴، صفحات ۲۹-۷.
- امینی، مظفر و محمدعلی احمدی شاپور آبادی (۱۳۸۶)، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار و میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خود اتکایی اقتصادی آنها، **فصلنامه مطالعات زنان**، شماره ۱، صفحات ۹۱-۶۵.
- امیری، آزاده (۱۳۸۴)، **نقش و جایگاه زنان روستایی در توسعه کشاورزی (موردی شهرستان پلدختر)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان.
- بوذرجمهری، خدیجه، حمید شایان و فخری صادقی (۱۳۸۹)، «تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)»، **مطالعات جغرافیایی مناطق خشک**، شماره اول، ۸۶-۶۹.
- چهارسوقی امین، حامد و سیدمهدی میردامادی (۱۳۸۷)، «شناخت و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کشاورزی پایدار در بین زنان کشاورز شهرستان بندر انزلی با تأکید بر دانش بومی برنجکاری در منطقه»، **فصلنامه دانش کشاورزی ایران**، شماره ۱، ۸۳-۶۱.
- حجازی، یوسف، مهدیه میرترابی و سیدمحمود حسینی (۱۳۹۰)، «مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی (مطالعه موردی: بخش آسارا شهرستان کرج)»، **تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران**، دوره ۴۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۲۸-۱۱۷.
- روستا، کوروش، الهام تاجریری و اسداله زمانی‌پور (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌های تولید»، **مجله تعاون**، سال ۲۱، شماره ۲، صفحات ۱۰۹-۹۱.
- شاهرودی، علی اصغر (۱۳۸۵)، تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی، **ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد**، ش ۱۶۹.

- نوری، هدایت الله و نرگس علیمحمدی (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی؛ مطالعه موردی: منطقه برا آن شهرستان اصفهان»، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۰، شماره ۲، صفحات ۱۰۴-۸۷.

- Medeley, J.(2002), *Food for all the Need for a New Agriculture*, Global Knowledge, vol 2.
- Olawoy, J.E.(1985), *Rural Women Role in Agriculture Production: An Occupational Survey of Women*.
- World Bank(1989), *The Role of Women in Economic Development*, A world bank country study. Washington, DC: World Bank.
- Theodosia, A.(2010), Rural Women in Local Agri-food Production: Between Entrepreneurial Initiatives and Family Strategies, A Case study in Greece, *Journal of Rural Studies* 26: 394-403.